



بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)

❖ دکتر فروغ عریضی؛ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
❖❖ دکتر فریدون وحید؛ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
❖❖❖ مهربان پارسامهر؛ دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده: این پژوهش به مطالعه تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی پرداخته است. روش بررسی در این تحقیق پیمایشی و به صورت مقطعی است. داده‌های این پژوهش از ۳۶۰ زن جمع‌آوری شده‌اند که ابتدا به طور نمونه‌گیری طبقه‌ای و سپس به شیوه تصادفی از میان زنان ۲۵ تا ۴۰ ساله ۱۳ شهر از شهرهای استان مازندران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه اصلاح شده مشارکت ورزشی است. نتایج این بررسی تفاوت معنادار مشارکت کنندگان را در فعالیتهای ورزشی با توجه به نوع حمایت اجتماعی از زنان برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی نشان داده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون، سلسله مراتب چندگانه‌ای را نیز نشان داده‌اند که چهار متغیر ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن دوستان، درآمد و سودمندی ورزش در مرحله اول و حمایت اجتماعی در مرحله دوم توانسته‌اند به ترتیب ۱۵/۹ و ۲/۱ از واریانس متغیر تحت مطالعه مشارکت زنان را در فعالیتهای ورزشی نشان دهند.

واژگان کلیدی: مشارکت ورزشی، حمایت اجتماعی، زنان

مقدمه

زیستی - محیطی باشد، بلکه عاملهای اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی به طور متقابل با عاملهای زیستی - محیطی ارتباط دارند یا حتی ممکن است که مقدم بر آن باشند [۱۵ و ۴]. بررسیها نشان داده‌اند که نحوه مشارکت افراد با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گوناگون، در فعالیتهای ورزشی متفاوت است. آنها با توجه به اینکه در چه شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه پذیر شده باشند، نرخهای متفاوت مشارکت در

یکی از موضوعاتی که در جامعه‌شناسی ورزش شناخت کمی درباره آن وجود دارد، این است که چرا زنان با وجود شرایط محیطی یکسانی و ویژگیهای جسمانی مشابه، میزان مشارکتشان در فعالیتهای ورزشی متفاوت است. بررسیهای تجربی و تئوریک پیشین نشان داده‌اند که تفاوت در میزان مشارکت زنان در فعالیتهای بدنی، نمی‌تواند تنها ناشی از عاملهای

* رساله دکتری جامعه‌شناسی - پژوهشگر: مهربان پارسامهر

فعالیت‌های بدنی دارند [۱۷].

در طول چنددهه‌ای که از شکل‌گیری جامعه‌شناسی ورزش می‌گذرد، شناخت عامل‌های تأثیرگذار بر مشارکت در فعالیتهای بدنی از مهم‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی ورزش به شمار می‌رود. ویسس^۱ در بررسی خود نشان داده است که عامل‌های تأثیرگذار بر مشارکت در فعالیتهای ورزشی شامل: سلامت و تندرستی، ارتقای سطح توانایی بدنی، یادگیری مهارت‌های جدید، برقراری روابط دوستانه، پذیرش در گروه همسالان، حمایت کافی از طرف دیگران مهم^۲، لذت بردن ناشی از مشارکت مثبت و حداقل تجربه منفی مرتبط با فعالیت بدنی هستند. [۲۲].

هینی^۳ و اسرائیل^۴ در پیمایشی نان داده‌اند که حمایت اجتماعی اثر علی مهمی بر رفتارهای مرتبط با سلامت یعنی فعالیت بدنی دارد [۱۰]. حمایت اجتماعی نوعاً مرتبط با وضایف و کارکردهایی است که دیگران برای راحت‌ترسازی اجرای عملی فرد برای او انجام می‌دهند [۱۱]. پژوهش‌های کمی روی حمایت اجتماعی انجام گرفته‌اند، اما همین پژوهش‌ها تأثیر حمایت اجتماعی را بر برخی از جنبه‌های فرایند مشارکت در فعالیتهای بدنی نشان داده‌اند. برای مثال، پژوهش‌های انجام شده مربوط به فعالیتهای بدنی، تأثیر زیاد والدین و همسالان را بر رفتارهای مرتبط با سلامت همچون فعالیت بدنی تأیید کرده‌اند [۱، ۲۱، ۹، ۲، ۷]. والدین و همسالان، علاقه به ورزش و تمرین را در فرد تقویت می‌کنند و آشکارا بر مشارکت فرد در ورزش تأثیر می‌گذارند [۱۹، ۲۱]. حمایت اعضای خانواده، همسر و حمایت دوستان نقش مهمی در مشارکت ورزشی ایفا می‌کند [۸]. برای برخی از افراد یا گروه‌های اجتماعی، تماس اجتماعی^۵ که در فرایند فعالیتهای ورزشی به وقوع می‌پیوندد، سبب افزایش

مشارکت در فعالیتهای بدنی می‌شود [۱۵، ۱۰]. بررسی‌های انجام گرفته روی گروه‌های گوناگون زنان مؤید آن است که عامل‌های اجتماعی در بین آنان مهم‌تر از عامل‌های فردی برای آغاز یا ادامه فعالیت بوده‌اند [۸، ۱۱]. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که علاوه بر خانواده و همسالان، معلمان و استادان، رادیو و تلویزیون بر مشارکت در فعالیتهای ورزشی تأثیر مثبت دارند [۱۲، ۴]. حمایت خانواده و دوستان به طور ثابت تأثیرگذار بر میزان مشارکت افراد در فعالیت بدنی است [۱۸، ۱۱] و برعکس نداشتن حمایت اجتماعی سبب کاهش سطح مشارکت در فعالیت بدنی می‌شود. یافته‌های پژوهشی بر تأثیرگذاری بیشتر حمایت اجتماعی بر زنان، به ویژه حمایت خانواده

صححه می‌گذارند [۱۳، ۲].

از طرف دیگر، راولند و فریدسون^۶ در پیمایشی نشان داده‌اند که مشارکت افراد در فعالیتهای ورزشی زمانی ادامه می‌یابد که فعالیت بدنی با حمایت اجتماعی همراه باشد [۱۶]. رابوست^۷ در پژوهشی نشان داد که حمایت خانواده، دوستان و مراکز آموزشی از عامل‌های تأثیرگذار و مهم بر مشارکت و تداوم فعالیتهای بدنی در بین زنان به شمار می‌روند [۲۲]. پژوهش‌های زیادی مشارکت افراد را در فعالیتهای ورزشی با نوع حمایت اجتماعی از آنان و نحوه مشارکت آنها در ورزش مرتبط می‌دانند. [۵، ۱۰، ۲۰].

یکی از دیدگاه‌های مهمی که به فرایندهای

1. weiss
2. Significant other's
3. Heaney
4. Israel
5. Social contact
6. Rowland & freedson
7. Robost

گسترده‌تر به منظور دست یافتن به دیدی جامع امکانپذیر نبوده است. همواره محققان برای پژوهش درباره فعالیت‌های ورزشی در جامعه شناسی دو راه پیش روی خود دارند: یکی با تعداد محدودی از متغیرها که تنها در بردارنده تصویر بخشی از واقعیت است، به بررسی درباره مشارکت در فعالیت‌های ورزشی مبادرت بورزند. و دیگری، زمینه وسیع‌تری را با متغیرهای متنوع‌تر در قالبی انسجام یافته‌تر، برای مطالعه مشارکت در فعالیت‌های بدنی انتخاب کنند. البته، بررسی حاضر با رویکرد دوم منطبق‌تر است. این پژوهش با ترسیم کارهای قبلی، فعالیت بدنی را در یک چارچوب چندمتغیری با دسته‌بندی منسجم‌تر مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

مطالعه حاضر به بررسی این سؤال می‌پردازد که حمایت‌های اجتماعی متفاوت (خانواده، همسالان، مراکز آموزشی، رسانه‌های جمعی) چه تأثیری می‌تواند در نحوه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی داشته باشند. این مطالعه در پیش‌فرض این است که اگر تفاوتی در زمینه مشارکت ورزشی زنان وجود دارند، عامل‌های اجتماعی که متمایزکننده آنها از یکدیگرند، می‌تواند دلیل این تفاوتها باشند.

روش تحقیق

این تحقیق با روش توصیفی پیمایشی^۱ و به طور مقطعی^۲ برای بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، بین سنین ۲۵ تا ۴۰ ساله در ۱۳ شهر از شهرهای استان مازندران انجام شده است. پس از اجرای یک پیش‌آزمون، ۳۶۰ نفر از زنان ابتدا به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای و سپس به شیوه

اجتماعی شدن توجه کرده است، نظریه یادگیری اجتماعی است [۲، ۴]. این نظریه هم بر تعیین‌کننده‌های فردی رفتار (برای مثال باور، گرایش و انگیزه) و هم بر تعیین‌کننده‌های بیرونی مانند عامل‌های اجتماعی، مادی و تقویت‌کننده‌ها توجه کرده است. نظریه یادگیری تأکید می‌کند که رفتار از طریق یادگیری، یعنی از طرق تجربه مستقیم یا از طریق مشاهده دیگران (الگو گرفتن) آموخته می‌شود. پژوهشگران متعددی مشارکت ورزشی را از منظر اجتماعی شدن با تأکید بر دیگران مهم در ورزش که با گرایشها و رفتارهای افراد در ارتباطند، تبیین کرده‌اند [۲۰، ۱۴]. افرادی که از حمایت‌های اجتماعی دیگران مهم برخوردارند، در مقایسه با کسانی که از این حمایت محروم هستند، احتمال بیشتری برای مشارکت ورزشی دارند. آنها با فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی لازم، زمینه را برای مشارکت ورزشی افراد فراهم می‌آورند. نقش دیگران مهم به گونه‌ای است که در برخی موارد، خود فرد از تأثیر آن آگاه نیست. به علاوه، فرد به عنوان عنصر مشارکت‌کننده در نظام اجتماعی، تمایل به هم‌نویی با هنجارهای رفتاری دارد [۵، ۱۱]. در تحقیق کرم و همکارانش (۱۹۹۷) در پاسخ به این سؤال که چه عاملی سبب تحریک انگیزش افراد برای مشارکت ورزشی می‌شود، ۲۰ درصد را تأثیر دوستان، ۱۰ درصد را تأثیر پدر و هفت درصد را تأثیر مادر بیان داشته‌اند.

مرور ضمنی پژوهش‌های تئوریک و تجربی پیشین، بر تعدادی از متغیرهای اجتماعی مرتبط با فعالیت بدنی زنان تأکید دارد. مطالعات قبلی معمولاً به بررسی یک یا چند رشته ورزشی محدود پرداخته‌اند و با تعداد محدودی پیش‌بینیها^۱ به طور منفرد در اجتماعاتی کوچک سر و کار داشته‌اند. از این رو، مشاهده همزمان ارتباط متغیرهای گوناگون اجتماعی به طور انسجام یافته با فعالیت‌های بدنی در سطحی

1. Predictors
2. Survey
3. cross - sectional

کنترل) پاسخگویان، همراه با رابطه احتمالی آن در جدول ۱ نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که از میان متغیرهای کنترل: سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، درآمد، ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن دوستان، سه متغیر تأهل به مقدار $P < 0/05$. $t(385) = -2/455$ ، ورزش کردن اعضای خانواده با مقدار $P < 0/001$. $t(385) = 5/063$ و ورزش کردن دوستان با مقدار $P < 0/001$. $t(385) = -4/786$ متغیر تحت مطالعه مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی رابطه دارند.

۲. مقایسه‌ها با توجه به نوع حمایت اجتماعی

برای آزمون فرضیه «بین میزان حمایت اجتماعی از زنان و میزان مشارکت آنان در فعالیتهای ورزشی رابطه وجود دارد»، ابتدا زنان بر مبنای میزان حمایت به سه گروه زنان به حمایت اجتماعی بالا، متوسط و پایین دسته‌بندی شدند، سپس نتایج با استفاده از آنوای یکطرفه تحلیل شد و مقدار $P < 0/001$. $F(2/385) = 17/316$ نشان داد که حمایت اجتماعی از زنان برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی تأثیر بسیار معناداری بر میزان مشارکت آنها داشت. به بیان دیگر، بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی رابطه مثبت معناداری وجود دارد (جدول ۲).

همچنین با استفاده از آنوای یکطرفه، به منظور آگاهی از اینکه کدام یک از سه گروه یعنی زنان با حمایت اجتماعی بالا، متوسط و پایین با یکدیگر تفاوت دارند، از آزمون پس از رویداد^۱ شفه^۲ استفاده

تصادفی انتخاب شدند. سپس به پرسشنامه اصلاح شده مشارکت در عالیتهای ورزشی پاسخ دادند.

سنجه (Measure) حمایت اجتماعی

برای سنجش حمایت اجتماعی از هشت متغیر استفاده شد که شامل: حمایت پدر، مادر، بردار و خواهر (برادران و خواهران)، همسر، دوستان، مربیان ورزشی، معلمان و استادان، رادیو و تلویزیون بود. هر یک از این متغیرها به صورت موردی ارزیابی شدند. همه متغیرهای مربوط به حمایت اجتماعی در پرسشنامه، بر اساس طیف ارزیابی پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) درجه‌بندی شدند. برای محاسبه روایی ابزار اندازه‌گیری، از فرمول الفای کرونباخ استفاده شد. ضریب الفای ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، ۰/۸۲۱۲ برآورد شد.

روشهای آماری

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. از تحلیل آنالیز واریانس یکطرفه، به منظور مقایسه پاسخیهای مشارکت‌کنندگان در فعالیتهای ورزشی استفاده شد تا مشخص کند که آیا نوع حمایت اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) مشارکت‌کنندگان می‌تواند تفاوتی در میزان مشارکت ایجاد کند. در نهایت، از روش رگرسیون سلسله مراتبی به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای منتخب وارد شده در مدل، در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه مشارکت در فعالیتهای ورزشی استفاده شد.

نتایج

۱. ویژگیهای اجتماعی - جمعیت‌شناسی نمونه

ویژگیهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی (متغیرهای

1. Five - pointkert's scale Ranging
2. one - way Anova: Post Hoc Multiple comparison
3. Scheffe

جدول ۱. آمارهای توصیفی همراه با رابطه آنها با متغیر تحت مطالعه مشارکت زنان در ورزش

P	مشارکت ورزشی دانش آزمون معناداری	درصد مشارکت کنندگان	متغیرها
سن			
۰/۲۴۲	$F_{(۲,۳۵۷)} = ۱,۴۲۴$	۵۰,۸ ۲۹,۴ ۱۹,۴	۲۵ تا ۲۹ ۳۰ تا ۳۵ ۳۶ تا ۴۰
وضعیت تاهل			
۰/۰۱۵*	$T_{(۳۵۸)} = -۲,۴۵۵$	۷۰,۶ ۲۹,۴	متاهل سایر
تحصیل			
۰/۵۴۰	$F_{(۵,۳۵۴)} = ۰/۸۵۱$	۰/۸ ۴/۲ ۱۰,۳ ۵۱,۱ ۳۰,۸ ۲۰,۸	بی سواد ابتدایی راهنمایی متوسطه فوق دیپلم و لیسانس فوق لیسانس و بالاتر
شغل			
۰/۸۱۳	$T_{(۳۵۸)} = ۰/۲۳۶$	۵۸,۳ ۴۱,۷	بیکار شاغل
درآمد (ریال)			
۰/۱۳۸	$F_{(۲,۳۵۶)} = ۱,۸۵۰$	۲,۸ ۴۲,۲ ۴۳,۳ ۱۱,۷	زیر ۱۳۰۰۰۰۰ ۱۳۰۰۰۰۱ - ۲۶۰۰۰۰۰ ۲۶۰۰۰۰۱ - ۵۲۰۰۰۰۰ بیشتر - ۵۲۰۰۰۰۱
ورزش کردن اعضای خانواده			
۰/۰۰۰***	$T_{(۳۵۸)} = -۵,۰۶۳$	۵۷ ۵۳	بله خیر
ورزش کردن دوستان			
۰/۰۰۰***	$T_{(۲,۳۰۷)} = -۴,۷۸۶$	۴۰/۹ ۵۹/۱	بله خیر

* $P < ۰/۰۰۵$, ** $P < ۰/۰۱$, *** $P < ۰/۰۰۱$

جدول ۲. آمار توصیفی حمایت اجتماعی همراه با سطح معناداری

P	F	S.E	Mean	N	
***		۰٫۷۶۱۴	۰٫۷۲۴۱	۸۷	حمایت اجتماعی پایین
۰٫۰۰۰	۱۷٫۳۱۶	۰٫۰۴۵۹۷	۰٫۹۰۶۷	۱۹۳	حمایت اجتماعی متوسط
		۰٫۰۷۲۰۲	۱٫۳۰۰۰	۸۰	حمایت اجتماعی بالا

جدول ۳. مقایسه زنان با توجه به نوع حمایت اجتماعی

F	S.E	تفاوت میانگین (I.J)		
۰٫۹۵ ۰٫۰۰۰***	۰٫۰۸۳۴۳ ۰٫۱۰۰۵۷	-۰٫۱۸۲۶ -۰٫۵۷۵۹	حمایت اجتماعی متوسط حمایت اجتماعی بالا	حمایت اجتماعی پایین
۰٫۹۵ ۰٫۰۰۰***	۰٫۰۸۳۸۴ ۰٫۰۸۶۳۴	۰٫۱۸۲۶ -۰٫۳۹۳۳	حمایت اجتماعی پایین حمایت اجتماعی بالا	حمایت اجتماعی متوسط
۰٫۰۰۰*** ۰٫۰۰۰***	۰٫۱۰۰۵۷ ۰٫۰۸۶۳۴	۰٫۵۷۵۹ ۰٫۳۹۳۳	حمایت اجتماعی پایین حمایت اجتماعی متوسط	حمایت اجتماعی بالا

داد، این سؤال مطرح شد که آیا سایر متغیرهای اجتماعی جمعیت شناختی و متغیرهای مرتبط با مشارکت ورزشی که به نظر می‌رسید بر مشارکت زنان اثرگذار باشند، می‌توانند در تغییرپذیری متغیر تحت مطالعه نقش داشته باشند. بدین منظور، از رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه استفاده شد که تأثیر هر مجموعه از متغیرها را در وضعیت کنترل سایر متغیرها

شد. نتایج جدول نشان می‌دهند که از بین زنان با حمایت اجتماعی بالا با گروههای زنان با حمایت اجتماعی پایین و متوسط تفاوت معناداری دارند (جدول ۳).
به بیان دیگر، سه گروه از نظر متغیر مشارکت در ورزش دارای میانگینهای مساوی نبودند و می‌توان استدلال کرد که حمایت اجتماعی بر میزان مشارکت زنان در ورزش تأثیر می‌گذارد.

تحلیل چندمتغیره مشارکت زنان در ورزش

صرف نظر از عاملهای اجتماعی که شناخت تأثیر آن بر مشارکت ورزشی هدف مطالعه حاضر را تشکیل

۱. آزمون پس از رویداد شفه به منظور تعیین اینکه کدام یک از گروه‌ها (با حمایت اجتماعی بالا، متوسط، پایین) از نظر ورزش کردن با دیگر گروه متفاوت است، انجام شده‌است، یعنی افراد با حمایت اجتماعی پایین در مقایسه با افراد حمایت اجتماعی بالا و متوسط از نظر نرخ ورزش کردن تفاوت دارند.

جدول ۴. رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه منغیر مشارکت ورزشی

مرحله	متغیر	B	P	ΔR^2	ΔR^2	F	P
				تنظیم شده	تغییر یافته		
۱	سن	-۰/۰۰۱	۰/۹۱۵	۰/۱۹۲	۵/۸۳۹	۰/۱۵۹	۰/۰۰۰***
	شغل	۰/۰۳۹	۰/۶۴۷				
	وضعیت تاهل	۰/۰۸۷	۰/۳۱۵				
	تحصیل	-۰/۰۰۷	۰/۵۱۴				
	درآمد	۰/۰۹۸	۰/۰۳۱*				
	فرصت	-۰/۰۱۵	۰/۵۷۲				
	سودمندی	۰/۲۹۹	۰/۵۷۲				
	حمایت مالی	۰/۰۴۲	۰/۱۵۳				
	داشتن مهارت	-۰/۰۲۴	۰/۴۱۱				
	مراقبت نکردن از فرزند	-۰/۰۳۹	۰/۱۳۳				
	همراهی دوستان	۰/۰۰۵	۰/۸۷۷				
نترسیدن از آسیب	-۰/۰۴۳	۰/۰۷۳					
ورزش کردن اعضای خانواده	۰/۲۱۳	۰/۰۰۳***					
ورزش کردن دوستان	۰/۲۳۱	۰/۰۰۱**					
۲	حمایت اجتماعی	۰/۱۶۶	۰/۰۰۲***	۰/۰۲۳	۹/۹۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰***

* $P < 0/005$ ، ** $P < 0/01$ ، *** $P < 0/001$

Total $R^2 = 0/215$ ، Adj. $R^2 = 0/18$ ، $F_{(15,347)} = 5/839$ ، $P < 0/001$

جدول ۶ نشان می دهد که متغیرهای اجتماعی جمعیت شناختی وقتی در مرحله اول وارد مدل شدند، توانستند با مقدار $Adj.R^2 = 15/9$: $P < 0/001$: $F = 5/839$ ، درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه (میزان مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی) را تبیین کنند. از بین این متغیرها (اجتماعی -

بررسی کند. با استفاده از رگرسیون سلسله مراتبی چندگانه، دو دسته از متغیرها (بر اساس ملاحظات نظری) وارد مدل شدند و سهم آن متغیرها در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه مشخص شد. در هر مرحله نیز مقدار R^2 (مجذور آر) و R^2 تنظیم شده، مقدار F تغییر یافته و نیز معناداری مدل محاسبه شد.

در بین همسالان تأکید کرده‌اند و با نتایج به دست آمده، کرمر و همکارانش (۱۹۹۷) که بر تأثیرپذیری افراد اعضای خانواده و دوستان اشاره داشته‌اند و با یافته‌های پژوهشی فرایند اجتماعی شدن کنیون و مک فرسن (۱۹۷۳) و یافته‌های پژوهشی سیندرو و اسپیتزر (۱۹۹۳) اوون، لسللی، سالمون (۲۰۰۲) که بر تأثیر تعیین‌کننده‌های اجتماعی چون خانواده، همسالان و محیط‌های آموزشی بر میزان مشارکت ورزشی افراد تأکید کرده‌اند، همخوانی دارند.

همچنین، به منظور شناخت بهتر میزان تأثیر نوع حمایت اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) از آزمون پس از رویداد استفاده شد و نتایج نشان داد که سه گروه از زنان از نظر میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی تفاوت بارزی داشتند، چنان‌که تفاوت از نظر میزان مشارکت در فعالیتهای بدنی در بین گروه‌های زنان مشاهده شد. این نتیجه، یافته‌های پژوهشی کینگ، بلایر، بیلدودیشمان (۱۹۹۹) را تأیید می‌کند که در مطالعه خود، ضمن تأکید بر تأثیر حمایت اجتماعی به این نتیجه دست یافتند که افراد با حمایت اجتماعی بالا، بیشتر از افراد با حمایت اجتماعی متوسط و پایین مشارکت بالاتر و منظم‌تری در فعالیتهای بدنی دارند. یافته‌های این پژوهش همچنین با یافته‌های هامپل، اوون و لسللی (۲۰۰۲)، رونیک و اندرسن (۲۰۰۲) همخوانی دارند. آنها نیز به تفاوت نوع حمایت اجتماعی مشارکت‌کنندگان در فعالیتهای ورزشی در چگونگی میزان مشارکت افراد تأیید کردند.

همچنین نتایج یافته‌ها در رگرسیون سلسله‌مراتبی نشان دادند، از بین متغیرهایی که به نظر می‌رسید با میزان مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی در کنار متغیر اصلی رابطه داشته باشند، متغیرهای ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن بهترین دوست، درآمد و سودمندی ورزش ارتباط معنادار بر با میزان مشارکت

جمعیت شناختی)، متغیر درآمد با مقدار $P < 0/05$: $B = 0/98$ ، متغیر ورزش کردن اعضای خانواده با مقدار $P < 0/01$: $B = 213$ متغیر سودمندی ورزش با مقدار $P < 0/001$: $B = 299$ و متغیر ورزش کردن بهترین دوست با مقدار $P < 0/01$: $B = 231$ سهم معناداری را در تبیین واریانس متغیر میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی به خود اختصاص دادند. در مرحله دوم، متغیر مطرح شده وقتی در فرضیه وارد مدل شد، توانست با مقدار $Adj.R^2 = 0/21$: $P < 0/001$: $F = 929$ درصد از واریانس مشارکت زنان را در فعالیتهای ورزشی تبیین کند. نتغیر وارد شده در مرحله دوم، متغیر حمایت اجتماعی با مقدار $P < 0/01$: $B = 170$ توانست سهم معناداری را در تبیین واریانس متغیر مشارکت در ورزش داشته باشد.

در مجموع، مدل توانست با مقدار $R^2 = 0/839$: $P < 0/001$: $Adj.R^2 = (15, 347)$ حدود ۱۸ درصد از واریانس مشارکت زنان را در فعالیتهای ورزشی تبیین کند. نتایج آنوای یکطرفه نشان می‌دهد که مدل رگرسیون معنادار است (جدول ۴).

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه تأثیر حمایت اجتماعی را بر میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش، تأثیر آشکار حمایت اجتماعی را بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی نشان می‌دهد. این نتایج با یافته‌های تحقیقات پیشین ویل هاجسون تورلیندسون (۱۹۹۱) که بر نحوه‌الگوپذیری افراد اعضای خانواده در اجرای فعالیتهای بدنی صحه گذاشته‌اند و با نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهشی سالیس، هاوول و هافستر (۱۹۹۹) که بر تأثیر شیوه‌های جامعه‌پذیر بر افراد در درون خانواده و

زنان در فعالیتهای بدنی داشت و با نتایج کینگ، کاسترو، ویل کاکس، ایلر و سالیس (۲۰۰۰) که بر الگوپذیری افراد از طریق مشاهده مستقیم افراد خانواده و نزدیک ترین دوستان تأکید داشت و با یافته های بوک (۲۰۰۱) که آگاهی از فایده های جسمانی، روانی و اجتماعی فعالیتهای ورزش را سبب مشارکت بیشتر افراد در فعالیتهای بدنی می دانست، همخوانی دارد. هرچند بین بقیه متغیرها با نتایج یافته های پژوهشی مطرح شده، ارتباط معناداری با میزان مشارکت در فعالیتهای ورزشی مشاهده نشده است. این پرسش که مشارکت زنان در فعالیتهای بدنی غیر از بعد حمایت اجتماعی متأثر از چه عاملهایی می تواند باشد، باید با کنیون و مک فرسون و ویسس همصدا شد که عاملهای تأثیرگذار دیگر مشارکت در فعالیتهای بدنی از منابع متفاوت اجتماعی، اقتصادی، روان شناختی، رفتاری و فیزیکی متأثر می شوند و این عاملها به صورت سیستم پیچیده ای، در کنش متقابل با یکدیگر عمل می کنند.

نکته حائز اهمیت در این پژوهش، تأثیر بیشتر و قوی تر سایر متغیرها، از جمله متغیرهای اجتماعی - جمعیت شناختی و سایر متغیرهای آورده شده در مدل بر مشارکت زنان در فعالیتهای بدنی است. این موضوع با مراجعه به تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی این پژوهش به خوبی آشکار می شود. نتایج این تحلیل نشان داده اند که سهم متغیر حمایت اجتماعی در مقایسه با سایر متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون سلسله مراتبی، به ویژه سودمندی ورزش، ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن بهترین دوست و درآمد در مقایسه با متغیر حمایت اجتماعی در تبیین واریانس مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی بسیار بالاتر بوده است. این امر، اجرای پژوهشهای بعدی را ایجاب می کند که بر سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و نیز متغیرهای روان شناختی، پزشکی و متغیرهایی که به نحوی با فعالیتهای بدنی در ارتباط هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

1. Alers, R. L. (1999). *Deviant Behavior: A Social Learning Approach*, 3rd edn. Wadsworth, Belmont, Ca: 67 - 68.
2. Anderssen, N. and Wold, B. (2001). Parental and peer influences on leisure-time physical activity in young adolescents. *Research Quarterly for Exercise and Sport*. 63:341-348.
3. Armstrong, N., Balding, L., Gentle, P. and Kirby, B. (2002). Patterns of Physical activity among 11 to 16 year old British children. *British Medical Journal*. 301: 203-205.
4. Bandura, A. (1997). *Social Learning Theory*. Prentice - Hall Englewood Cliffs, N.J.
5. Blair. S. N., Kohl, H. W., Barlow. C. E. (1999). Physical activity physical fitness, and allcause mortality in women: Do women need to be active? *Journal of Americal Collego of Nutrition*. 12: 368-371.
6. Chow, R., Harrison, J., Brown C., Hajek. V. (1998). Physical fitness effect on bone mass in postmenopausal women. *Of physical Medicine and Rehabilitation*. 67: 231-234.
7. Coakley, J. and White, A. (2000). Making decisions: Gender and sport participation among British adolescents. *Sociology of Sport Journal*. 9: 20 - 35.
8. Eyler, A., Brownson, R., King. A Brown, D., et al. (1997). Phisical activity and women in the UnitedStates: An overview of health Prevalence. and intervention opportunities. *Women and Health*. 26: 27 - 50.
9. Greedorfer, S. L. and Lewko, J. H. (1998). Role of family members in sport socialization of children, *Research Quarterly*. 49: 146 - 152.
10. Heaney, C. A., & Israel, B. A., (1996). Social networks and social support. In K. Glanz, F. M., Lewis, & B. K. Rimer, *Health behavior and health education. Theory, research and parctice*: 179 -205.
11. Kenyon, G. S., and McPherson, B. D. (2001). Becoming involved in physical activity and sport: A process of socialization. In *Physical Activity: Human Growth and Development*, ed. G. L. Rarick: 303 - 332.
12. King, A., Blair, S., Bild. D. Dishman, R., et al. (1999). Dterterminants of physical activity and interventions in adults. *Medicine and Science in Sports and Exercise*. 24: s221-s223.
13. Leslie, E., Owen, N., Salmon, J. Bauman, A., Sallis, J. F., & Sing, Kai Lo (1999). Insufficiently active Australian college students: percived Personal, social, and environmental influences. *Preventive Medicin*. 28: 20 - 27.
14. Mocintosh, D. (1982). Socio - economic, educational and status charactristics of Ontario interschool athleetes. *Canadian Journal of Applied sport Science..* 7: 272 - 283.
15. Mechanic, D. and Hasell, S. (2003). Adolescent competence, psychological well-being and self-assessed physical health. *Journal of Health and Social Behavior*. 28: 364 - 374.
16. Rowland, T. W. & Freedson, P. S. (1994). Physical activity, fitness, and Health in children: A Close look pediatrics. 93: 669 - 672.
17. Sallis, J. F., Grossman R. M., Pinski, R. B., Patherson, T. L. and Nader, P. R. (1987). The development of scales of measure social support for diet and exercise behaviors. *Preventive Medicine*. 16: 825 - 836.
18. Sallis, J.F., Hovell, M. F., & Hofstetter, C. R. (1999). Predictors of adoption and maintenance of vigorous physical activity in men and women. *Preventive Medicine*. 21: 237 - 251.
19. Snyder, E. and Spreitzer, E. (1983). *Social Aspects of Sport*. Prentice - Hall, Englewood Cliffs, N. J. 89.
20. Spreitzer, E. and Snyder, E. (1996). Socialization into sport: An exploratory path analysis. *Research Quarterly*. 47: 238 - 245.
21. Wilhjalmsson, R. and Thorlindsson, T. (1992). The intergrative and physiological effects of sport participation: A study of adolescents. *Sosiological Quarterly*. 33: 637 - 647.
22. Weiss, M. R (1993). Psychology effects of intensive sport participation on children and youth: self-esteem and motivation. In.B.R. chaill & A. J. Pear (Eds), *intensive participation in children's sport*: 39 - 69.